

مطبوعات خارجی

وای بر تو ای آمریکا

از: رودولف آگ اشتاین

هفته نامه اشپیگل

شماره ۴ - سال ۲۰۰۲

رودولف آگ اشتاین، صاحب امتیاز مجله معروف اشپیگل در سال ۱۹۴۹ آن را بنیان‌گذاری نمود. مجله اشپیگل از وزین‌ترین مجلات دنیا به‌شمار می‌آید که از بدو تأسیس تاکنون تحولات بسیاری در جامعه آلمان و جوامع اروپایی به‌وجود آورده است. آگ اشتاین با کار حرفه‌ای و مستمر ۵۳ ساله خود موفق شده است حدود دویست و پنجاه نفر از محققین و صاحب‌نظران را به همکاری با مجله تشویق و ترغیب نماید. وی برنامه‌ای نامی آمریکا در آلمان را در زمان صدر اعظمی آدولف هیتلر افشا نمود. به دنبال این افشاگری، آگ اشتاین به مدت سه روز به زندان افتاد و مجله اشپیگل هم تعطیل شد. تعطیل سه روزه اشپیگل به «رسوایی مطبوعاتی آلمان» معروف شد و به دنبال آن آقای فرانس ژوزف اشتراوس، وزیر مقتدر انرژی اتمی آلمان، استعفا نمود. یکی دیگر از موارد کارهای اشپیگل، این بود که رسوایی مالی حزب دموکرات مسیحی آلمان به رهبری هلموت کهل را افشا نمود. از آن جا که آگ اشتاین از متفکرین معروف دنیای غرب به‌شمار می‌آید، بر آن شدیم تا مقاله راهبردی او را به‌طور کامل ترجمه و در اختیار خوانندگان عزیز نشریه چشم‌انداز ایران قرار دهیم.

در اروپا دیگر عکس‌العملی از طرف مراکز حکومتی، سیاستمداران و حقوقدانان نسبت به آمریکا نشان داده نمی‌شود. موقعی که دولت ایالات متحده آمریکا رفتاری غیرانسانی از خود بروز می‌دهد، بیشتر آن‌ها فقط خشم خود را فرو می‌خورند. در روزهای اتحاد جهانی چه کسی قادر است از یگانه ابرقدرت دنیا انتقاد کند؟ آیا آمریکایی‌ها متحداً پشت سر

دیگر اصول عدالت

حاکم نیست؛

بلکه عطش انتقام

بیداد می‌کند

آیا باید - و نیز

چگونه باید -

برای دستیابی

به اطلاعات، افراد

مظنون را شکنجه داد؟

تا به حال در جوامع

مردم‌سالار متداول

نبوده است و یا منظور

واشنگتن از این رفتار،

انحراف افکار عمومی

از مقاصد اصلی آن‌ها

در جنگ افغانستان است،

که قبلاً بدان دسترسی

نداشته است؟

رئیس جمهور خود نایستاده‌اند؟ او کسی است که قادر به همه کاری است، به جز خوردن چوب شور!

بعد از حملات ۱۱ سپتامبر، تمام دنیا با آمریکایی‌ها احساس همدردی می‌کردند. و واشنگتن از این حسن نیت بهره‌برداری کرد و ندای تشکّل جهانی (اتحاد جهانی) را در یک ائتلاف ضد تروریستی و همچنین شعار ارزش‌های معنوی و پایبندی به حقوق تضمین شده بشری و جامعه آزاد را سر داد. از تمدنی صحبت به میان می‌آمد که برای دفاع از آن استفاده نیروی نظامی الزامی بود. از برتری‌های حکومت‌های قانونی سخن به میان می‌آمد. مردم سریعاً در برلین و جاهای دیگر در مقابل «همکاری بدون قید و شرط» زانو زدند.

آمریکایی‌ها از این احترام به ارزش‌های اخلاقی، خوششان آمده است و شاید بیش از اندازه لازم خوشحال شده باشند، دیگر اصول عدالت حاکم نیست؛ بلکه عطش انتقام بیداد می‌کند. دولت آمریکا صدها نفر را در افغانستان به اسارت گرفته و طالبان و مبارزان القاعده را از قندهار به کوبا برده است؛ آن‌هم در خلیج گوانتانامور، جایی که قانون اساسی آمریکا حاکم نیست.

اسرا را به پایگاه نظامی‌ای برده است که در سال ۱۹۰۳ دولت آمریکا به زور از ملت کوبا گرفته است و برای آن، تا به حال، سالیانه مبلغ خنده‌آور ۴۰۸۵ دلار «حق استفاده» پرداخت کرده است در آنجا هیچ قانونی حاکم نیست.

دولت آمریکا از پیش، این زندانیان را به عنوان «خطرناکترین عناصر» و «مردانی که سیم‌های انتقال برق را می‌جویند تا بتوانند یک هواپیما را ساقط کنند» محکوم کرده، ولی تا به حال کیفرخواستی بر ضد آن‌ها صادر نکرده و اجازه استفاده از وکیل را به آن‌ها نداده است. دولت آمریکا به آن‌ها لقب «جنگجویان غیرقانونی» داده است تا آن‌ها را از حقوق اسرای جنگی (POW) محروم کند. کارشناسان

مبهورت و شگفت زده‌اند. حقوق بین‌الملل، رفتار آمریکایی‌ها را محکوم می‌کند. برپایه این حقوق، هرکس که در یک عملیات نظامی دستگیر شود، اسیر جنگی تلقی شده و بلافاصله و به‌طور کامل - تا تشکیل یک دادگاه صالح و تعیین وضعیت نهایی او - حق استفاده از حمایت معاهده ژنوا دارد.

حتی انتقال این اسرا برخلاف شئونات انسانی صورت گرفت، به طوری که حقوق بین‌الملل به‌طور کامل پایمال شد. زنجیر کردن اسرا به هم و بیهوش کردن اجباری، خلاف مقررات است. پوشاندن چشم‌ها مغایر با معاهده ضد شکنجه ۱۹۸۴ است. تراشیدن اجباری ریش افرادی که به دلایل مذهبی آن را بلند کرده‌اند - حتی به بهانه‌های بهداشتی - با هیچ قانونی مجاز نیست و علاوه بر آن تحقیری کاملاً بی‌مورد است که شک و تردید هر مسلمانی را درباره «دادگاه حاکمان مسلط» صلیبی تقویت می‌کند. با توجه به این رفتار کنونی واشنگتن خنده‌آور است که منت گذاشته و به اسرا اجازه می‌دهد که یکی از دو حوله خود را به عنوان جانماز استفاده کرده و همچنین اجازه می‌دهد که گوشت خوک را هم نخورند!! اسارت آن‌ها در گوانتانامور (پایگاه اشعه ایکس) هرگونه توصیفی را تمسخرآمیز کرده است. اسرا در هوای بسیار گرم و شرجی در قفس‌های بازی نگه‌داری می‌شوند که دارای ابعاد ۱/۸۰ در ۲/۴۰ متر است. در این شرایط اگر میمون‌ها را حبس کرده بودند، احساسات سازمان‌های حمایت از حیوانات به جوش می‌آمد.

آیا این اسرا - که احتمالاً به‌خاطر ترورهای غیرانسانی متهم‌اند - باید در شرایط غیرانسانی تحقیر، ملامت و خرد و شکسته شوند؟! و این‌ها همه مباحثی است که در سطوح بالای جامعه قانون‌مدار آمریکا، به شیوه‌ای شدیداً عاطفی و احساسی، مورد بحث قرار می‌گیرد: آیا باید - و نیز چگونه باید - برای دست‌یابی به اطلاعات، افراد مظنون را شکنجه داد؟ تا به حال در جوامع مردم‌سالار متداول نبوده است و یا منظور واشنگتن از این رفتار، انحراف افکار عمومی از مقاصد اصلی آن‌ها در جنگ افغانستان است،

جوامع اسلامی در صورتی

راضی می‌شوند که

واشنگتن از برخورد

دوگانه سیاست

خاورمیانه‌ای خود دست

کشیده و اسرایلی‌ها

را هم به امتیازدهی

دردآوری مجبور کند.

جانبداری لفظی بوش

از تشکیل یک دولت

فلسطینی، کافی نیست.

این معنا برای جناح

افراطی دولت آمریکا، به

سرکردگی وزیر دفاع

رامسفلد، باعث

سرافکندگی است؛

چرا که آن‌ها به تازگی

سازمان ملل را "کشف

دوباره" کرده‌اند تا از

آن برای جنگ

ضد تروریستی خود

استفاده ابزاری

بکنند

که قبلاً بدان دسترسی نداشته است؟

به هر صورت، واشنگتن که روزی طالبان را به قدرت رسانده بود، آن‌ها را با بمب‌های آمریکایی از قدرت پایین کشید. این شانس است برای آینده‌ای بهتر در کابل. به نظر می‌رسد این از منافع جانبی مقاصد آمریکا بود. آمریکا در اصل به دنبال سردسته اصلی تروریست‌ها، بن‌لادن، بود؛ "زنده یا مرده". اما ظاهراً این طور به نظر می‌رسد که جستجو به دنبال او متوقف شده و مرده او برای واشنگتن بهتر است. اما قبل از این که او در مقابل یک دادگاه بین‌المللی قرار گیرد، آن‌ها تمایل دارند که او سالم در پناهگاهی محرمانه در پاکستان زندگی کند. چون آن‌ها هنوز به مقاصد اولیه خود دسترسی پیدا نکرده‌اند، می‌خواهند با سیاست خارجی، مقاصد جدیدی را دنبال کنند. اکنون نیروهای ویژه آمریکایی در جنوب فلیپین مستقر شده‌اند. حمله گسترده به عراق فعلاً به تعویق افتاده است. آن‌ها نمی‌خواهند تمام جوامع اسلامی را بر ضد خود بسیج کنند. جوامع اسلامی در صورتی راضی می‌شوند که واشنگتن از برخورد دوگانه سیاست خاورمیانه‌ای خود دست کشیده و اسرایلی‌ها را هم به امتیازدهی دردآوری مجبور کند. جانبداری لفظی بوش از تشکیل یک دولت فلسطینی، کافی نیست. این معنا برای جناح افراطی دولت آمریکا، به سرکردگی وزیر دفاع رامسفلد، باعث سرافکندگی است؛ چرا که آن‌ها به تازگی سازمان ملل را «کشف دوباره» کرده‌اند تا از آن برای جنگ ضد تروریستی خود استفاده ابزاری بکنند. این در حالی است که کمیسار عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، خانم مری رایینسون، رسماً خواستار رعایت حقوق اساسی اسرای طالبان و القاعده شده است. توجه شود که مری رایینسون از واکنش منفی اکثریت آمریکایی هم‌از قبل آگاه بود.

به نظر می‌رسد تمام افکار عمومی آمریکایی‌ها یک سو و یک جانبه نشده است. علی‌رغم این که به دستور مدیران شبکه "CNN"، از نشان دادن قربانیان غیرنظامی افغانی در جلوی دوربین جلوگیری شده است، روزنامه‌هایی مانند نیویورک تایمز و عده‌ای از

اساتید جسور این تصاویر را به مردم نشان داده‌اند.

مثلاً میخائیل بایرز، حقوقدان دانشگاه دوک در کارولینای شمالی، رفتار با زندانیان گوانتانامو را زیان‌بار خواند: حفظ حقوق بشر در شرایطی - بایستی - به طور خاص رعایت شود «که در همان شرایط مخصوصاً دولت‌هایی آن‌ها را پایمال می‌کنند»، و آن بدین معنی است که آمریکایی‌ها موقعی می‌توانند بر ارزش‌های والای اخلاقی تکیه کنند که اجازه دهند که آن‌ها را نیز با همین معیارها بسنجند. مردم‌سالاری فقط موقعی با ارزش است که درباره‌ی خطرناک‌ترین تروریست‌های مظنون هم اعمال شود.

ایران: تنش در سیاست داخلی؛ هماهنگی در سیاست خارجی

از آقای سالم مشکور در النهار چاپ لبنان مورخه ۲۴ ژانویه ۲۰۰۲ (۴ بهمن ۱۳۸۰) مقاله‌ای چاپ شده که اهم مفاد آن را در دسترس خوانندگان قرار می‌دهیم.

وی معتقد است که «ایران به سوی دستیابی به پایگاه برجسته‌ای در نقشه سیاسی جدید منطقه پیش می‌رود.» او می‌افزاید آنچه این پیشرفت را میسر می‌سازد دو وجه دارد:

الف - سیاست عملگراتر ایران
ب - سیاست جهانی که می‌خواهد ایران را در ردیف همکاران قرار دهد نه دشمنان.

وی برای اثبات این نتیجه‌گیری خود به موارد زیر اشاره می‌کند:

۱- گرچه در عرصه سیاست داخلی تنش فزاینده‌ای بین اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران وجود دارد معیناً ایران در زمینه سیاست خارجی باثبات‌ترین و موفق‌ترین دوره پس از انقلاب ۱۳۵۷ را می‌گذراند.

علت افزایش تنش در سیاست داخلی این است که اصلاح‌طلبان به دلیل فشار پایگاه مردمی‌شان نمی‌توانند سکوت اختیار کنند. نتیجه چنین روندی، قدرت گرفتن اصلاح‌طلبان تندرو می‌باشد.

۲- اما ناظران بیرونی برداشتی مثبت‌تر و فراگیرتر و مغایر با تنش‌های داخلی دارند. آن‌ها شاهد جوشش و گسترش روند

گرچه در عرصه سیاست داخلی تنش فزاینده‌ای بین اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران وجود دارد، ایران در زمینه سیاست خارجی باثبات‌ترین و موفق‌ترین دوره پس از انقلاب ۱۳۵۷ را می‌گذراند

ناظران بیرونی برداشتی مثبت‌تر و فراگیرتر و مغایر با تنش‌های داخلی دارند.

آن‌ها شاهد جوشش و گسترش روند مردم‌سالاری دینی و به عبارتی دموکراسی دینی هستند که آزمون منحصر به فرد منطقه اسلامی است

اگر در گذشته برای مهار طالبان در افغانستان ایران به پاکستان نیاز داشت اکنون پاکستان است که به خاطر افغانستان به ایران نیازمند است

مردم‌سالاری دینی و به عبارتی دموکراسی دینی‌ای هستند که آزمون منحصر به فرد منطقه اسلامی می‌باشد.

۳- پس از حادثه بیست شهریور، علی‌رغم تنش‌های داخلی در بالاترین سطوح دیپلماسی همکاری مستقیم یا غیرمستقیم با واشنگتن برقرار شده است. و این به مواردی چون افغانستان، عراق، مسأله حاد فلسطین و ضمیمه آن یعنی حزب‌الله برمی‌گردد. مواضع ایدئولوژیک و تند مطبوعات آمریکا علیه ایران و بالعکس و همچنین فشار اسراییل و حامیان آن به حکومت آمریکا هیچ‌کدام، از اهمیت پیشرفت‌های غیررسمی تهران - واشنگتن نمی‌کاهد.

۴- نویسنده النهار می‌افزاید ایران در ارتباط با همسایگان خود پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. از جمله الف - پیمان امنیتی با عربستان که نتایج سیاسی - اقتصادی به دنبال داشته است.

ب - فروش گاز به ترکیه و اثرات سیاسی - اقتصادی آن.

ج - برقراری روابط با پاکستان پس از حادثه بیست شهریور.

اگر در گذشته برای مهار طالبان در افغانستان ایران به پاکستان نیاز داشت اکنون پاکستان است که به خاطر افغانستان به ایران نیازمند است.

د - در مورد عراق، به نظر نمی‌رسد تحول چشمگیری به وجود آمده باشد. (گفتنی است آمدن ناجی صبری به ایران و آزادی اسرا و ... پس از انتشار این مقاله صورت گرفته است.)

مواضع رسانه‌های گوناگون خارجی در رابطه با اتهامات اخیر آمریکا علیه ایران
۱- لوموند، (۱۳۸۰/۱۰/۲۸) آندره فونتن:

الف - سیاست بوش همچون روزولت در بی‌سیاستی اوست.

ب - پس از فروپاشی شوروی، آمریکا از داشتن یک دشمن مشترک محروم شد و اینک بوش موفق به کشف "تروریسم اسلامی" به عنوان جایگزینی مناسب برای بسیج مردم حول قدرت خودش شده است.

۲- نیویورک تایمز، ۱۳۸۰/۱۱/۱۱،
سرمقاله:

سیاست جدید بوش مبنی بر به کارگیری نیروهای پیشگیرانه و بازدارنده خود برای منهدم کردن و تاختن به موشک‌اندازها و تأسیسات تجاری که به نظر می‌رسد مشغول تولید سلاح‌های اتمی هستند با روند معمول و شعارهای آمریکا مغایرت دارد. پیروزی اخیر بوش در افغانستان نباید باعث شود که پا را از گلیم خود فراتر نهد، ایران هم به لحاظ قدرت نظامی و هم از نظر سیاسی تفاوت‌های زیادی با افغانستان دارد.

۳- لوموند، (۱۳۸۰/۱۱/۱۱)، سرمقاله:

الف- این سخنان رییس جمهوری است که می‌خواهد کشورش را برای جنگ سردی همانند جنگ سرد علیه کمونیسم آماده کند. ب- برای مبارزه با تروریسم بودجه نظامی آمریکا ۱۵ درصد افزایش یافته، آیا این مبارزه صرفاً نظامی است؟

۴- الحیات، (۱۳۸۰/۱۱/۱۲)، پاتریک سیل (نویسنده و کارشناس بریتانیایی در امور خاورمیانه):

الف- هماهنگی بی‌سابقه سیاست‌های آمریکا و اسرائیل نگران‌کننده است. ب- سیاست‌های آمریکا در منطقه به‌طور مطلق پشتیبان اسرائیل است. ج- سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا ناگزیر به پیدایش شرایط مناسب برای انجام حملات دیگری بر آمریکا، از نوع حملات ۱۱ سپتامبر منجر خواهد شد.

د- پس زمینه‌های دینی بوش و اثرپذیری از خواسته‌های بنیادگرایان و بازهای پنتاگون و نفوذ گروه فشار صهیونیست و فساد اعضای کنگره و سستی آن‌ها در برابر هدایا و رشوه‌های سیاسی باعث تن دادن بوش به خواسته‌های گروه‌های فوق شد.

ه- ورشکستگی فرهنگی و اخلاقی حکومت بوش موجب تکیه بر قانون «حق با زور است» شده است.

ی- گسترش بازار تسلیحاتی و نجات اقتصاد آمریکا و برخورداری از رأی یهودیان و حمایت‌های مالی سرمایه‌داران یهودی و... از

مواضع ایدئولوژیک و تند مطبوعات آمریکا علیه ایران و بالعکس و همچنین فشار اسرائیل و حامیان آن به حکومت آمریکا هیچ کدام، از اهمیت پیشرفت‌های غیررسمی تهران - واشنگتن نمی‌کاهد

علل دیگر این موضع‌گیری اخیر بوش بود. راه‌حل‌های پیشنهادی: ۱- مهار شارون ۲- برخورد عادلانه با فلسطینیان ۳- شناسایی منافع ایران در منطقه خلیج فارس ۴- پاسخ مثبت به خواست‌های مشروع عراق ۵- کاهش حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه مجموعه راه‌حل‌هایی است که یک ابرقدرت هوشمند باید در پیش گیرد.

۵- دیلی تلگراف، (۱۳۸۰/۱۱/۱۳)،
نقطه نظرات استراو در مورد موضع اخیر
بوش:

الف- موضع جنگ طلبانه‌ی بوش ناشی از نگرانی‌های انتخاباتی اوست نه موضع «جنگ علیه تروریسم».

ب- رفتار بوش از گفتارش معتدل تر است. پ- سه کشور مزبور به هیچ‌وجه در یک خط قرار نمی‌گیرند.

ت- مدارک و شواهد کافی بر علیه آن‌ها وجود ندارد.

ث- انزوای پاول در کابینه‌ی بوش و رضایت رامسفیلد حاکی از منشأ این موضع‌گیری است.

۶- گاردین، (۱۳۸۰/۱۱/۱۳)، دیوید هرست:

الف- اسرائیل تلاش می‌کند که هدف بعدی را در مبارزه با تروریسم، ایران قرار دهد. اسرائیل مصمم است که انحصار تولیدات اتمی خود را در منطقه حفظ کند و هر کشور دیگری که در این زمینه تلاش کند را مستحق نابودی می‌داند.

ب- شارون: «خسونت فلسطینیان خیلی بهتر به ما خدمت کرده است، روند سیاست خاتمی برای اتحاد با فلسطینیان و جلوگیری از افراط‌گرایی که روند صلح را با موفقیت قرین می‌کند، مهم‌ترین دلیل این خشم اسرائیل است و ایران را در تیررس آمریکا قرار می‌دهد. ۷- واشنگتن پست، (۱۳۸۰/۱۱/۱۴)، سرمقاله:

آری، آن‌ها «شرور هستند». این کشورهای حامی تروریسم اکنون در تلاش برای دست‌یابی به سلاح اتمی هستند. این‌ها علناً با دموکراسی و آزادی آمریکایی دشمنی می‌کنند.

سیاست آمریکا در قبال ایران مهار هواداران حکومت مذهبی و دلگرم کردن اکثریت مردم آزادیخواه است.

۸- واشنگتن تایمز، (۱۳۸۰/۱۱/۱۴)،
سرمقاله:

این طرح مشترک جمهوری خواهان و حزب لیکود برای توجیه ایجاد سیستم ملی دفاع موشکی مورد نظرشان و برای جلب حمایت مردمی است. تاریخ پر است از برآوردها و محاسبات غلط که به کلی بی‌اساس بوده‌اند. برآورد «سیا» در مورد فروپاشی دیوار برلین و نظام شوروی و سقوط حکومت سلطنتی در ایران کاملاً غلط بود.

سناریوی جدید «کشورهای سرکش» مجهز به موشک‌های دوربرد هم کابوسی بیش نیست. ۹- الشرق الاوسط، (۱۳۸۰/۱۱/۱۴)، راجح الخوری:

الف- چه کسی مقام مدعی العمومی جهان را به بوش داده است؟

ب- سخنرانی «رأبش گونه» بوش فراخوانی به گسترش جنگ بود.

ج- اولین قربانی جنگ علیه تروریسم، ارزش‌های اخلاقی، سیاسی و اجتماعی بود که آمریکا همیشه همه را به آن‌ها فرا می‌خواند.

د- این تلاش‌های بوش و متحدانش (اسرائیل) برای گسترش و تحقق بخشیدن به هدف‌های جغرافیایی و سیاسی است.

۱۰- الشرق، (۱۳۸۰/۱۱/۱۶)،
سرمقاله:

رابطه ایران با حزب الله بر کسی پوشیده

نیست. صحبت کمک ایران به حزب الله از نظر اسرائیل بدین معنی است که اسرائیل در پی بهره‌برداری از رویکرد جدید آمریکاست و تلاش می‌کند واشنگتن را به جنگی به نیابت از خود علیه دشمنان قدیم و جدید خود از جمله ایران، وادارد. ماجراجویی آمریکا به نفع اسرائیل و به ضرر آمریکا در منطقه است.

۱۱- الرئی، (۱۳۸۰/۱۱/۱۶)، طارق مصاره:

آمریکا از ناپدید شدن ملا عمر و بن لادن و صدها تن از دست‌یارانش ناخشنود نیست. چرا که آمریکا با نیروهای نظامی‌اش در پی آن‌ها به همه جا سرکشی می‌کند و در همه جا مستقر می‌شود.

۱۲- هرال تریبون، (۱۳۸۰/۱۱/۱۷)، آنتونی جی بلیکن (بیدارباش به دوستانی که قرار است در قبال دولت‌های انجام‌گسیخته شدت عمل نشان دهند)

"آنتونی بلیکن" عضو ارشد "مرکز مطالعات بین‌المللی و راهبردی" در آمریکای طی این مقاله یادآور می‌شود که: خطاب بوش هیچ کدام از این کشورهایی که نام برد نمود، بلکه پیام به هم‌پیمانان آمریکا و دوستانش بود. خطاب به روسیه، چین و فرانسه که به ما کمک کنید تا فشارها را بیشتر کنیم. مسکو و پکن باید جریان ورود و خروج فناوری سلاح‌های کشتار جمعی به داخل و خارج ایران و کره شمالی را با قاطعیت متوقف کنند. فرانسه و روسیه و سایر اعضای شورای امنیت سازمان ملل باید کاربرد سیستم بازرسی‌های بسیار شدید در مورد عراق را تأیید کنند و تأیید لفظی هم کافی نیست. اگر در مورد کنترل این کشورها آمریکا موفق شود:

الف- دولت بوش لازم است نیرو و انرژی بیشتری را صرف به کار گرفتن این کشورها در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی بنماید.

ب- یافتن راه‌هایی برای به کار گرفتن ایران در عرصه‌های بین‌المللی می‌تواند به سهم خود کاری کند که میانه‌روها بر افراطیون فایق آیند. لازم به ذکر است که دیپلمات‌های ایران نقشی کلیدی در متقاعد کردن روسا و فرماندهان فرقه‌های در حال جنگ افغانستان

جهت حمایت از دولت موقت افغانستان ایفا کردند و ایران پانصد میلیون دلار از خزانه خود را به بازسازی آن‌جا اختصاص داد.

موانع به کار گرفتن ایران و بهره‌مند شدن از همکاری‌های آن کشور عبارتند از:

۱- روحانیون خط مشی امنیتی کشور را تحت کنترل خود دارند.

۲- از تروریسم حمایت می‌کنند.

۳- تلاش در جهت کسب سلاح‌های کشتار جمعی را ادامه می‌دهد.

۴- به کوشش‌های خود در جهت تضعیف روند صلح خاورمیانه ادامه می‌دهد. راه حل:

واشنگتن برای موفقیت در این راه باید با هم‌پیمانان و شرکای خود همکاری کند و از اقدامات یک‌جانبه بپرهیزد و میانه‌روهای آن کشور را به کار گیرد.

۱۳- الشرق الاوسط، (۱۳۸۰/۱۱/۱۹)، سرمقاله:

تحت فشار طاقت‌فرسایی که آمریکا علیه ایران به کار برد، جریان‌ات افغانستان می‌رفت که به یک عامل سرکوب توسط آمریکا علیه ایران تبدیل شود. اما سیاست‌های دیپلماسی فعال ایران با اقداماتی چند مانع از این امر شد:

الف- متقاعد نمودن فرماندهان نیروهای طرفدار ایران به حمایت از دولت کرزای

ب- مشارکت در بازسازی افغانستان

ج- کمک ۵۰۰ میلیون دلاری به افغانستان

د- ترغیب عبدالکریم خلیلی رهبر هزاره‌ها به فراخوانی ۳۰۰۰ سرباز که در اطراف کابل برای تحت فشار قراردادن دولت کرزای مستقر بودند.

ه- محدود کردن فعالیت‌های حکمت‌یار در ایران

۱۴- الشرق الاوسط، (۱۳۸۰/۱۱/۱۹)، هدی الحسینی:

الف- واشنگتن شیوه "تهدید و تطمیع" را پیش گرفته است.

ب- بوش به همراه رامسفیلد شیوه "تهدید" و پاول شیوه "تطمیع" را پیش گرفتند.

ج- «ولفووتیز» هم در کنفرانس «امنیت

بین‌المللی» در مونیخ گفت: به جای شیوه ائتلاف بین‌المللی یگانه، "ائتلاف‌های متعدد" با مأموریت‌های مختلف، باید تشکیل شود و آمریکا تلاش می‌کند کشورهای دوست را قانع کند که به «عدم لجستیک تهران» روی آورند. د- اسرائیل که در واشنگتن از نفوذ کلام بالایی برخوردار است، تلاش می‌کند آمریکا را علیه ایران بشوراند.

۱۵- نیویورک تایمز، (۱۳۸۰/۱۱/۲۲)، مایکل هوشی و روی گاتمن:

سیاست «ائتلاف بین‌المللی» دولت آمریکا به رهبری پاول به حاشیه رانده شده و در واقع وزارت خارجه آمریکا در روابط بین‌المللی کنار گذاشته شده است.

سیا در جستجوی جاسوسان بالقوه در ایرانیان مقیم لس‌آنجلس

نویسنده: گرگ میلر، لس‌آنجلس تایمز، ۱۳۸۰/۱۰/۲۵:

الف- سیا درصدد به کارگیری جاسوسان جدید از میان ایرانیان مقیم خارج به خصوص در لس‌آنجلس می‌باشد. این جامعه مرتب با ایران در ارتباط هستند و ایران نیز درصدد به کارگیری ایرانیان مقیم خارج برای عملیات جاسوسی است.

ب- گروه دیگری که سیا در استفاده از آن‌ها موفقیت چشمگیری داشته، دانشجویان مقیم آمریکا می‌باشند که اطلاعات بالارزشی برای سیا فراهم می‌کنند.

یک افسر سابق سیا می‌گوید: یک خبرچین ممکن است ماهیانه پنج هزار دلار دریافت کند و اگر خبرچین کارآمدی باشد، حقوقش سر به فلک می‌کشد.

ج- سیا به طرح یک پخش رادیو-تلویزیونی ماهواره‌ای به داخل ایران اقدام کرده است. عمده‌ترین روش کسب اطلاع سیا از ایران توسط مراقبت ماهواره‌ای و شنود رادیویی است.